

تعاونی‌های روستایی و توانمندی زنان روستایی: مطالعه‌ای بر تعاونی‌های روستایی در سمنان و مهدی‌شهر

Rural Women's Cooperatives and Their Empowerment: A Study on Rural Women's Cooperatives in Semnan and Mahdishahr

سهیلا علیرضائزاد^۱، نجمه رنجبر^۲، داود ثمری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۶

چکیده

سال‌ها است که توانمندی زنان در فرآیند توسعه مدنظر است و یکی از سیاست‌های اتخاذ شده در این باره شرکت‌های تعاونی زنان روستایی است. این پژوهش در پی آن است تا بداند که تأثیر تعاونی‌های زنان روستایی بر توانمندی زنان چگونه است؟ برای پاسخگویی به این پرسش از نظریه پنج مرحله‌ای برابری و توانا سازی سارا لانگه استفاده شد. برای پاسخ‌گویی به این پرسش یک طرح ترکیبی طراحی شد. بخش اول شامل روش کیفی به عنوان مطالعه اکتشافی و بخش دوم و اصلی شامل پیمایش بود. ابزار گردآوری اطلاعات در مطالعه اکتشافی مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته و مشاهده بود و در پیمایش پرسشنامه‌ای توسط پژوهشگر فراهم شد. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان در مرحله رفاه توانمندتر شده و دسترسی آنان به منابع مالی و تصمیم‌گیری فزونی یافته است اما در کنترل منابع این سطح از توانمندی مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: تعاونی‌های روستایی، زنان روستایی، توانمندی

مقدمه و بررسی منابع

توجه به جنسیت در فرآیند توسعه پس از فهم این مهم بود که هر سیاست توسعه‌ای لزوماً برای همه اقشار اجتماعی اثرات یکسان و مثبت در بر ندارد. با اهمیت یافتن مفهوم جنسیت در توسعه، بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع اتخاذ کردند (Soroushmehr et al., 2010). یکی از این راهبردها توانمندی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه به طور فعال

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، "نویسنده مسئول" soal802001@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

^۳ دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مشارکت کنند (Ketabi et al., 2003). آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که از ۲۳٪ زنان ایرانی فعال در اقتصاد، ۳۴٪ آنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند که این رقم در برابر ۲۳٪ مردان قرار دارد (Schwab, 2010). این امر در کنار فزونی مهاجرت مردان جوان از روستاها، نقش زنان را در اداره روستاها در آینده پررنگ‌تر می‌کند و بر اهمیت توانمندی آنان می‌افزاید (Alirezanejad & Banihashem, 2012; Azami & Soroushmehr, 2010; World bank, 2005).

به منظور افزونی توانمندی زنان روستایی، در خلال برنامه‌های توسعه‌ای سازمان‌هایی ایجاد شده‌اند؛ که شرکت‌های تعاونی‌های زنان مستقر در نواحی روستایی از آن جمله است. در تاریخ ایران به‌ویژه در سطح اجتماعات محلی، زنان همیشه در سازمان‌های همبازی سنتی از قبیل واره، فعال بودند. اولین تعاونی ویژه زنان به شکل امروزی در روستای آبرسد دماوند در سال ۱۳۷۳ تشکیل و به دنبال آن هفت تعاونی دیگر تاسیس شد. پیش از آن، زنان در تعاونی‌های شهری و روستایی به صورت محدود حضور داشتند ولی بیشتر، عضویت آنان مطرح بود نه فعالیتشان. در دهه‌های اخیر ایجاد، تقویت و بهبود عملکرد تعاونی‌های زنان به عنوان یکی از راهبردهای توانمندی آنان مورد توجه قرار گرفته و تجربه‌های متفاوتی در کشور ایجاد شده است. با توجه به نظریات متفاوتی که در باره تعاونی‌ها ارائه شده است، به نظر می‌رسد که بررسی عملکرد آنان بر توانمندی زنان مهم است.

ایران سرزمینی با تنوع‌های اقلیمی و فرهنگی است. از اینرو انتظار می‌رود که اجرای برنامه‌های توسعه‌ای لزوماً در همه مناطق نتایج یکسانی در بر نداشته باشد و احتمالاً الگوهای متفاوتی برای توانمندی آنان کارآمد است، اما در اغلب مناطق شرکت‌های تعاونی روستایی زنان فعال هستند. استان سمنان در منطقه کویری ایران جای دارد و مانند بسیاری دیگر از استان‌ها ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط مقیاس به عنوان یکی از راهبردهای ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی در آن مطرح است (Ghomi et al., 2008). با توجه به گسترش سطح سواد در بین زنان استان سمنان و همچنین افزایش سطح آگاهی و تقاضای زیاد برای اشتغال و انجام فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان شهرستان‌های مهدی‌شهر و سمنان و وجود چهار تعاونی در شهرستان سمنان با حدود ۱۲۵ نفر عضو و دو تعاونی در شهرستان مهدی‌شهر با حدود ۳۹۰ نفر عضو ما را بر آن داشت که نقش تعاونی‌های زنان روستایی را در توانمندی زنان این دو منطقه بررسی نماییم. از اینرو پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از این که آیا کار در تعاونی‌های زنان روستایی در این منطقه منجر به توانمندتر شدن زنان شده است؟ این توانمندی عمدتاً در چه ابعادی بوده است؟

بوزورف برای اولین بار تفاوت بهره‌مندی زنان و مردان را از منافع حاصل از توسعه متذکر شد. یافته‌های او حکایت از آن داشت که برنامه‌های به کار گرفته شده در کشورهای در حال توسعه در مواردی در جهت عکس توسعه عمل کرده است. توجه به جنسیت در توسعه از نظریه بوزورف به شدت تاثیر پذیرفته است (Langwe, 1993).

به نظر تیانو، سه دیدگاه در این زمینه با هم رقابت می‌کنند. در نظریه «ادغام» گفته می‌شود توسعه، با درگیر کردن هرچه بیشتر زنان در اقتصاد و زندگی عمومی، به برابری جنسیتی می‌انجامد. در نظریه «حاشیه‌ای شدن» گفته می‌شود توسعه سرمایه‌داری، زنان را بیش از پیش از ایفای نقش‌های تولیدی باز می‌دارد و به قلمرو خصوصی و

خانه محدود می‌کند. در این نوع توسعه، زنان کنترل خود را بر امکانات مادی از دست می‌دهند و از نظر مالی به مردان وابسته می‌شوند. در نظریه «بهره کشی» نیز گفته می‌شود مدرنیته شدن به پیدایش نوعی نیروی کار ارزان زنانه منجر می‌شود. زنان در بخش تولید صنعتی نقش مهم‌تری پیدا می‌کنند، اما از آنجا که نیروی کار درجه دوم محسوب می‌شوند، در معرض بهره کشی قرار می‌گیرند (Abot & Wallas, 2001).

رویکردهای مختلف در باره توانمندی زنان از منظری دیگر نیز در دو دسته قابل بررسی هستند. گروه اول که خود را گروه توسعه برای زنان در عصر جدید نام نهاده‌اند، برای ایجاد تغییرات دو دسته سیاست کوتامدت و بلندمدت را در نظر می‌گیرند. سیاست‌های درازمدت برای شکستن ساختارهای نابرابری بین جنسیت، طبقه اجتماعی و غیره لازم است. سیاست‌های کوتاه مدت روش‌هایی هستند که جوابگوی بحران‌های جاری باشند و برای کمک به زنان در تولید مواد غذایی از طریق ایجاد کار در بخش غیررسمی و رسمی موثرند (Ghafari et al., 2009). دیدگاه دیگر را طرفداران لیبرال اصالت جنسیت ارائه می‌کنند. از نظر آنان موقعیت پایین‌تر زنان ناشی از کمتر بودن فرصت‌های زنان، فقدان یا اندک بودن میزان تعلیم و تربیت و محدودیت‌های محیط خانوادگی است (Zamani Miandashti et al., 2012; Khani et al., 2012).

در فرآیند توسعه حضور و مشارکت اجتماعات محلی امری الزامی است (Shahpasand, 2005). در قالب شرکت‌های تعاونی روستایی انرژی‌ها و نیروهای پراکنده روستایی از وحدت و انسجام جمعی عام برخوردار می‌شوند و فرصتی مناسب پدید می‌آید تا با حفظ هویت و انگیزه‌های فردی و خانوادگی خود با یکدیگر به مشارکت، همکاری و همیاری متقابل پردازند (Sabet Dizavandi et al., 2010). مهمترین اقشار در مناطق روستایی ایران، زنان هستند، به طوری که مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آن‌ها در هر جامعه نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه و یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی است (Mahmoodian, 2003; Ghiasvand & Ammari, 2012). شرکت‌های تعاونی زنان، همانند تشکلهای مشابه زنان، شرایط را به نحوی مساعد و مهیا می‌سازند تا اعضای آن‌ها به زنان توسعه یافته و چندبعدی تبدیل شوند (Haji, 2001). عضویت در تعاونی برای زنان این حق را ایجاد می‌کند که از خدماتی که تعاونی عرضه می‌کند بهره‌مند شوند و از طریق عضویت در تعاونی، زنان سکویی به دست می‌آورند که به وسیله آن صدای خود را به نحو مؤثری به گوش برسانند و تدبیری اتخاذ کنند که مستقیماً بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار دارد. این سازمان‌ها با بسیج منابع محدود، در اختیار قراردادن اعتبارات، دانش و فن آوری مناسب به اعضا در زمینه روش‌های جدید تولید و بازاریابی، ضمن توسعه سازمانی خود می‌توانند زنان را به کارآفرینانی موفق مبدل سازند. سان یانگ میلز (Sanyang Mills) به نقل از ائتلاف بین‌المللی تعاونی‌ها، تعاونی را اجتماع مستقل افرادی که داوطلبانه گرد هم آمده‌اند تا به وسیله مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک شرکت، نیازها و خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را برآورده سازند، تعریف کرده است (Ebrahimi et al., 2010). تعاونی یک انجمن مستقل و متشکل از افرادی است که به صورت ارادی و داوطلبانه با هدف رفع نیازها و احتیاجات مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأسیس شده و فعالیت خود را با مشارکت اعضا و مدیریت دموکراتیک به اجرا در می‌آورد (Ansari, 2006). اعضای شرکت تعاونی می‌بایست در تمام مراحل برنامه‌ریزی از تصمیم‌گیری تا اجرا و ارزشیابی فعالیت‌ها دخالت آشکار و داوطلبانه داشته باشند.

درواقع این خصیصه عضومدار بودن برنامه‌های شرکت‌های تعاونی است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین هویت «تعاونی بودن» آن‌ها محسوب می‌شود (Shaykhi & Aref, 2009). بدین ترتیب این انتظار به وجود می‌آید که با همکاری در شرکت‌های تعاونی اعضا از سطح بالاتری از توانمندی برخوردار شوند.

در ادبیات توسعه، برای تعریف مفهوم توانمندی به طور وسیع از مفاهیمی نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی به منابع؛ احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر و غیره اشاره شده است (Shakouri et al., 2007). همچنین می‌تواند دامنه‌ای از «قدرت به» «قدرت برای» و «ظرفیت انجام برخی فعالیت‌های ذهنی یا فیزیکی» تا «محول کردن اختیار» برای «حقوق قانونی» باشد (Rowlands, 1995). سازمان ملل متحد برای توانمندی، پنج محور عمده را در نظر می‌گیرد که عبارت است از احساس ارزش داشتن، حق مالکیت و تصمیم‌گیری، حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع، حق کنترل زندگی خود در محیط اجتماعی و قدرت تأثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی به منظور فراهم کردن نظام عادلانه اقتصادی در محدوده ملی و جهانی. فرد یا گروه توانمند، توانایی تصمیم‌گیری مؤثر را دارد. توانایی تصمیم‌گیری مؤثر تحت تأثیر دو عامل قرار می‌گیرد، عاملیت و شرایط اجتماعی. عاملیت بدان معنی است که کنش‌گر برای مواجهه با گزینه‌های مختلف و گرفتن تصمیم، توانمند است. شرایط اجتماعی نیز به مثابه زمینه‌های رسمی و غیر رسمی که کنش‌گر در آن فعالیت می‌کند، تعریف شده است. این عوامل وقتی با هم مورداستفاده قرار گیرند، میزان توانمندی را افزایش می‌دهند (Zamani Miandashti et al., 2012).

به عقیده کازمل (Kasmel, 2004) توانمندی به معنای عام آن، به توانایی مردم برای به دست آوردن درک و کنترل بر نیروهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منظور اقدام برای بهبود شرایط زندگی خود، اشاره دارد. فرآیندی که در آن افراد و جوامع را قادر به گرفتن قدرت و عمل مؤثر در به دست آوردن کنترل بیشتر، کارآیی و عدالت اجتماعی در تغییر زندگی خود و محیط خود می‌سازد. در برخی از تعاریف، تأکید شده است که توانمندی به معنای ارتقای خودباوری و خوداتکایی گروهی و فرد مورد نظر است (Khani et al., 2012).

بنت (Bennet, 2002) توانمندی را به عنوان افزایش دارایی و توانایی‌های گوناگون افراد و گروه‌ها برای کار کردن و تأثیرگذار شدن تعریف می‌کند (Ghiasvand & Ammari, 2012). هرچقدر افراد قدرت انتخاب بیشتری داشته باشند، کنترل بیشتری بر زندگی خود خواهند داشت (Hafezian, 2009). اصولاً توانمندی یک فرآیند محسوب می‌شود، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت به موقعیت دیگر است. این فرآیند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی (سیاسی) کنترل بر تصمیمات سیاسی (اقتصادی) توان کنترل تصمیم‌گیری‌های اقتصادی (نهادی) به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را دربرمی‌گیرد (Shakoori et al., 2007). فرآیندی پویا که زنان را برای دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند و موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر آن‌ها می‌شود و عزت نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد، یعنی موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از

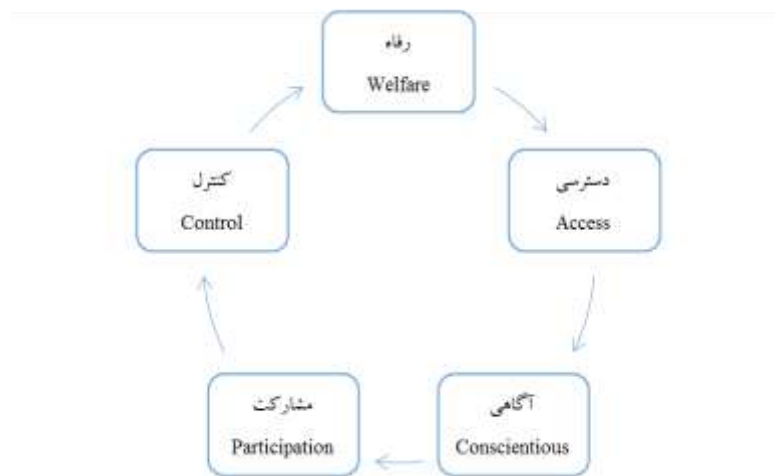
خودشان دارند (Radvardad, 2011; Zamani Miandashti et al., 2012). این فرآیند ارتباط تنگاتنگی را با بهبود مستمر، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود عملکرد زنان نشان می‌دهد. توانمندی زنان به عنوان ایده‌ای متداول محسوب می‌شود که به عنوان بخشی از زبان توسعه مطرح می‌شود و می‌تواند با بهبود عملکرد زنان، بقا را تثبیت کند. اگبومه (Ughbome, 2001) توانمندی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر در آن‌ها می‌شود (Zamani Miandashti et al., 2012). مالهورترا و شلر (Malhatra & Schuler, 2002) شش بعد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی، قانونی، سیاسی و روانی را در توانمندی زنان مدنظر قرار می‌دهد. پروین (Parveen, 2007)، زیمرمن (1995) توانمندی را در سه بعد روانی، سازمانی و اجتماعی و کریستین (Christian, 1998) در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانی مطرح می‌کنند (Deh Haghi et al., 2014). زیمرمن معتقد است که توانمندی اقتصادی: آن دسته از توانایی‌هایی را در بر می‌گیرد که افراد را به انجام فعالیت‌های درآمدزا و کسب استقلال مالی رهنمون می‌سازد. این بعد شامل متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس انداز می‌شود (Ataee & Zamani Miandashti, 2011; Ghiasvand & Ammari, 2012). توانمندی روانی: در ارتباط با احساس و عقاید افراد است. مفاهیمی از قبیل عزت نفس، استقلال فکری، و احساس قدرت است. توانمندی اجتماعی به بعد اجتماعی ظهور و پایداری زنان در عرصه‌های اجتماعی، دسترسی به فرصت‌های اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی، تغییر در هنجارهای مردسالاری، تغییر نگرش نسبت به نقش زنان، مشارکت اجتماعی، جمع‌گرایی، و تمایل به حضور در فضاها عمومی و نیز تعهد به آموزش دختران راجع است (Alirezanejad, 2011). از بررسی تعاریف فوق مشخص می‌شود، توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم است (Ranjbar et al., 2013):

- نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال است.
- دومین عنصر عاملیت است، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تاثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند.

- سومین عنصر دستاوردها یا نتایج و پیامدها است که در اثر فرآیند توانمندی ایجاد می‌شود. تاکید بر مراحل توانمندی در پژوهش‌های زنان، ایده سارا لانگه است. او با بررسی تعدادی از جوامع روستایی، معتقد است مرحله رفاه از مراحل توانمندی، پیشتر از مراحل بالاتر که امکان مشارکت و کنترل را بر زندگی اجتماعی فراهم می‌آورد، میسر می‌شود (Khani & Sayyed Bidhendi, 2009). به اعتقاد وی، پس از فراهم

شدن شرایط مطلوب، آثار فرآیند توانمندی به مراحل بالاتر سرایت خواهد کرد (Langwe, 1993). وی توسعه امور زنان را در پنج مرحله تعیین می‌کند که عبارت است از مراحل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل (Khani & Seyyad Bihendi, 2009).

در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی و درآمد خانوار مدنظر قرار می‌گیرد. در این مرحله، زنان به عنوان افرادی منفعل تصور می‌شوند که از مزایای برنامه‌های رفاهی استفاده می‌کنند (Ghomi et al., 2008). در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه) کارهای درآمدزا، خدمات، فعالیت‌های مهارت‌زا (که استخدام و تولید را ممکن می‌کند) و حتی محصول دسترنج خود دسترسی داشته باشند (Abot & Wallas, 2001). در مرحله آگاهی، پرسش اساسی این است که زنان چگونه به مفهوم فرآیند توسعه و نقش زنان در حد نابرابری ساختاری آگاه می‌شوند (Khani, 2006). در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (Moser, 1993). قبول کردن برابری جنسیتی به عنوان یک هدف توسعه‌ای، براساس آگاهی جنسیتی قرار دارد و به عنوان رکن قطعی سیاست تواناسازی است (Borghani Farahani, 2009).



نمودار ۱- فرآیند توانمندی سارا لانگه

Figure1- Langwe's empowerment process

در نظریه لانگه مراحل توانمندی به صورت فرآیند دایره‌ای کامل از مرحله رفاه شروع و با تسری به مرحله نهایی، یعنی کنترل، مجدداً به رفاه ختم می‌شود و سبب افزایش بیشتر توانایی اقتصادی زنان می‌شود. براساس نظریه لانگه، در فرآیند توانمندی، توانایی نخست در سطح خرد، سپس در سطح میانی و در آخر در سطح کلان تحقق می‌یابد. بر این مبنا، سطح خرد را مرحله رفاه، سطح میانی را مراحل آگاهی و دسترسی و سطح

کلان را مرحله مشارکت و کنترل تشکیل می‌دهد (Langwe, 1993). بر اساس چارچوب تحلیلی لانگه فرآیند برابری و تواناسازی زنان دارای پنج مرحله است: خدمات، دسترسی، آگاه‌سازی، مشارکت و کنترل (Leach, 2003). گذر از هر یک از این پنج مرحله نشانگر درجه بالاتری از برابری و افزایش سطح توانایی برای زنان است. خدمات: در مرحله اول خدماتی که در اختیار زنان است، با خدماتی که در اختیار مردان است مقایسه می‌شود (Leach, 2003) در این مرحله زنان نقش خلاق یا تولید کننده ندارند. بدین ترتیب وجود فواصل جنسیتی در اینجا به معنی تفاوت بین خدماتی است که در اختیار زنان یا مردان قرار می‌گیرد. در این جا خدماتی که تعاونی برای زنان فراهم کرده است، مدنظر قرار می‌گیرد.

دسترسی: در مرحله دوم، دسترسی برابر به خدمات، امکانات و مزایا مدنظر است. در این مرحله تنها عدم برابری خدمات مطرح نیست، بلکه دسترسی زنان به این خدمات مدنظر است. از جمله خدمات در اختیار زنان عضو تعاونی عبارتند از: دسترسی به آموزش؛ زمین؛ منابع مالی؛ و مراکز بهداشتی و درمانی. آگاه‌سازی: این مرحله بدان معنی است که زنان درک کنند که نقش‌های جنسیتی، مانند تقسیم کار بر اساس جنس، توسط فرهنگ هر جامعه تعیین می‌شود و قابل تغییر است.

مشارکت: مرحله چهارم به مشارکت برابر در تصمیم‌گیری، چه در سیاستگذاری، برنامه ریزی یا مدیریت اشاره. در این مرحله زنان از دریافت کنندگان منفعل خدمات و اطلاعات به شرکت کنندگان فعال در تمام مراحل تصمیم‌گیری و برنامه ریزی تبدیل می‌شوند. این مرحله در سطح کلان مطرح است.

کنترل: لانگه این مرحله را کنترل برابر در تصمیم‌گیری می‌داند که شامل عوامل تولید و توزیع و مزایا است. در مرحله نهایی توانا سازی، برابری در کنترل مدنظر است. بدیهی است که این مرحله نیز در سطح کلان رخ می‌دهد. در این پژوهش کوشش شده است، وضعیت زنان عضو تعاونی سمنان و مهدیشهر با استفاده از چارچوب نظری لانگه در مراحل خرد و میانی مدنظر قرار گیرد. با اتکای به نظریه لانگه می‌توان گفت به میزانی که تعاونی‌ها در فراهم کردن امکانات رفاهی برای اعضاء موفق تر باشند، زنان توانمندتر می‌شوند. در همین سطح می‌توان گفت که هر قدر تعاونی‌ها در آموزش اعضاء موفق تر باشند، بر توانمندی زنان افزوده می‌شود. همچنین هر قدر تعاونی‌ها در زمینه دسترسی به منابع موفق تر عمل کنند، زنان توانمندتر می‌شوند.

تعریف مفاهیم در این نظریه بدین صورت است:

سارا لانگه در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) و رفع تبعیض بین زنان و مردان را مدنظر قرار می‌دهد.

توانمندی: رسیدن به مدارج بالای برابری در هر یک از جنبه‌های پنجگانه (رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل) به معنای توانمندی زنان تلقی می‌شود.

دسترسی: از این دیدگاه یعنی زنان به عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه) کارهای مولد درآمد، خدمات و آموزش‌های مهارت‌زا دسترسی داشته باشند (Moser, 1993).

آموزش: در زمینه آموزش راه‌حل‌های جدیدی به وسیله متفکران و برنامه‌ریزان با عنوان سیستم‌های آموزش آزاد برای سوادآموزی بزرگسالان و فعالیت‌های غیررسمی با ملاحظه نیازهای آموزشی طولانی روستائیان به خصوص

زنان در نظر گرفته شده‌است. در توانمندی زنان آموزش و یادگیری در طول عمر برای افزایش توان رهبری آنان مطرح است (Pasban, 2009).

مواد و روش‌ها

برای اجرای این پژوهش از روش پیمایش استفاده شد اما در مرحله اکتشافی برای نیل به درک عمیق‌تر از شرایط زنان از مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته استفاده شد. روش گردآوری اطلاعات در بخش اصلی پژوهش، پیمایش، پرسشنامه‌ای بود که توسط پژوهشگران و با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته، فراهم شد (Creswell, 1994). بدین ترتیب در مرحله اکتشاف، برای شناخت بیشتر، هفت مصاحبه انجام شد؛ مصاحبه شوندگان از میان اعضاء و مدیران عامل انتخاب شدند. همچنین با سه نفر از کارشناسان ادارات تعاون روستایی نیز مصاحبه شد.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه بانوان عضو شرکت‌های تعاونی شهرستان‌های سمنان و مهدی شهر است. تعداد اعضای این شرکت‌های تعاونی، طبق آخرین آمار سازمان تعاونی روستایی برابر ۵۱۵ نفر است. در این پژوهش واحد تحلیل فرد (زنان) و سطح آن نیز خرد است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، معادل ۱۴۰ تن برآورد شد، اما با توجه به تیپ‌های مختلف تا تعداد ۱۶۰ تن تصحیح شد. با کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مشکل دار نهایتاً ۱۵۳ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل استفاده شد.

با توجه به دسترسی به چارچوب نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری احتمالی استفاده شد. در این پژوهش برای سنجش اعتبار، از اعتبار محتوا استفاده شد. در اعتبار محتوا تأکید بر این است که معرف‌ها تا چه میزان وجوه مختلف مفهوم را می‌سنجد (Dewas, 2004). پرسشنامه توسط صاحب نظران و برخی از اعضای تعاونی مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی در این پرسشنامه توسط بررسی همسازي پاسخ فرد به یک گویه در مقایسه با هر یک از گویه‌های دیگر مقیاس استفاده شد و بدین ترتیب پایایی کل مقیاس سنجیده و شاخص آلفا محاسبه شد (Dewas, 2004). بدین منظور در مرحله پیش‌آزمون تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل شد. با توجه به ضریب آلفای نسبتاً بالا انسجام درونی گویه‌ها (بالای ۰/۹۴) برای کلیه متغیرها تأیید شد.

نتایج و بحث

جمعیت نمونه در پیمایش، شامل بانوان عضو تعاونی‌های روستایی سمنان و مهدی شهر هستند. دامنه سنی پاسخگویان در این پژوهش ۱۷ تا ۷۶ سال و میانگین سنی آنان ۳۸/۶۴ سال و بیشترین فراوانی سنی ۴۷ است. تعداد فرزندان از صفر تا ۹ متغیر بود. تحصیلات ۲۶/۸٪ پاسخگویان ابتدایی، ۱۶/۳٪ راهنمایی، ۱۸/۳٪ دیپلم و فوق دیپلم، ۱۶/۳٪ لیسانس و بالاتر و کمترین میزان در تحصیلات متوسطه ۱۳/۱٪ بود.

سطح درآمد پاسخگویان، از ۶۹۰۰۰ تومان تا یک میلیون تومان در ماه با میانگین درآمدی ۴۴۵۹۴۰ تومان در ماه را در بر می‌گیرد. ۱۶/۳٪ پاسخگویان دارای سطح درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه، ۱۱/۱٪ بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۱۱/۸٪ بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۹/۸٪ بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان و ۵/۹٪ بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشتند.

داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۴/۲٪ پاسخگویان در تعاونی‌های تولیدی، ۳/۹٪ تعاونی‌های توزیعی، ۲/۶٪ تعاونی‌های مصرف و ۲۲/۲٪ در تعاونی‌های مربوط به بخش خدماتی عضو هستند. همچنین ۲۴/۹٪ پاسخگویان در تعاونی‌ها دارای سمت و ۶۶٪ فاقد هر نوع سمتی هستند. اندکی بیش از ۲۴٪ از پاسخگویان اظهار کردند که به جز همکاری در تعاونی، دارای شغل دیگری از قبیل ۰/۷٪ معلم، ۰/۷٪ خدمتگزار، ۲٪ کشاورز، ۲/۷٪ دامدار، ۲٪ خیاط، ۰/۷٪ مشاغل خانگی، ۳/۴٪ مغازه‌دار، ۰/۷٪ گلخانه دار، ۳/۴٪ مدرس، ۲٪ قالیباف، ۱/۴٪ کارگر، ۰/۷٪ به مشاغل نانوايي محلی، اشتغال در مهدکودک، زنبورداری، منشی و آرایشگری مشغول هستند. سال‌های فعالیت زنان در تعاونی‌های روستایی بین یک تا ۱۰ سال در نوسان است. ۱۱/۸٪ پاسخگویان گفتند که نحوه آشنایی آن‌ها با فعالیت‌های تعاونی از طریق خانواده، ۷۷/۱٪ به واسطه دوستان و آشنایان، ۴/۶٪ توسط رسانه‌های جمعی و ۶/۵٪ از طریق جهاد سازندگی است.

با توجه به جدول زیر ۲۴/۲٪ جمعیت مورد بررسی در ارتباط با این گویه که عضویت در تعاونی‌های روستایی زنان موجب شده است تا با ارتباط بیشتر با کارشناسان تعاونی در زمینه مسائل مرتبط با تغذیه بهتر تصمیم بگیرند، کاملاً موافق، ۴۱/۲٪ موافق، ۲۲/۲٪ و ۱۲/۵٪ با این نقش ارتباط با کارشناسان تعاونی بر وضعیت رفاهی آن‌ها در زمینه مسائل تغذیه مخالف و کاملاً مخالف بودند.

جدول ۱- توزیع درصدی متغیرهای مستقل تحقیق

Table 1- Percentage distribution of independent variables

متغیرها Variables	خیلی کم Very little	کم little	متوسط Middle	زیاد Much	جمع Total
میزان اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان بر دسترسی به امکانات رفاهی The importance of rural women's cooperatives' access to accommodations	10.5	24.8	35.3	29.4	100
میزان اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی به منابع The importance of rural women's cooperatives' access to resources	5.9	20.3	28.1	45.8	100
میزان اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان در آگاه سازی اعضا The importance of rural women's cooperatives on members' awareness	1.3	9.2	30.1	59.5	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق نظر لانگه می‌توان انتظار داشت که با عضویت در تعاونی‌های روستایی زنان، در مرحله رفاه سطح درآمد خانوار افزایش یافته و وضعیت برابری در دسترسی به شغل و دستمزد دریافتی برای زنان ایجاد شود. داده‌ها نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان، ۵۸/۴٪ باین گویه که همکاری با تعاونی‌های روستایی زنان موجب شده است تا شاغل شوم کاملاً موافق و موافق بوده اند.

بیش از ۶۷٪ پاسخگویان باین گویه که همکاری در تعاونی موجب شده‌است تا درآمد داشته باشم کاملاً موافق و موافق هستند، همچنین ۵۹٫۲٪ از پاسخگویان باین گویه که به دلیل اشتغال در تعاونی، میزان سپرده شخصی من در بانک افزایش یافته‌است، موافق و کاملاً موافق بودند.

جدول ۲- وضعیت پراکندگی پاسخگویان بر حسب نقش تعاونی روستایی زنان در وضعیت اشتغال

Table 2- Distribution of respondents according women's cooperative's impacts on their employment situation

Z	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		I Disagree		No idea		I agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage
۴	6	4	21	14	32	21.3	58	38.7	33	22	150	100
۵	5	3.3	20	13.1	33	21.6	66	43.1	29	19	153	100
۶	5	3.3	24	15.8	31	20.4	58	38.2	34	22.4	152	100
۷	4	2.6	25	16.4	29	19.1	65	42.8	29	19.1	152	100
۸	6	3.9	18	11.8	32	20.9	61	39.9	36	23.5	153	100
۹	5	3.3	16	10.5	36	23.7	59	38.8	36	23.5	152	100
۱۰	10	6.7	17	11.4	36	24.2	50	32.7	36	23.5	149	100
۱۱	6	3.9	20	13.1	30	19.6	60	39.2	37	24.2	153	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

سومین نکته‌ای که در مرحله اول تئوری سارا لانگه مورد نظر است، فراهم شدن امکانات رفاهی برای زنان در زمینه مسائل بهداشتی و درمانی و مسائل مرتبط با سلامتی است. بدین منظور برای سنجش تاثیر عضویت در تعاونی‌های روستایی زنان و به تبع آن حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی و ارتباط با کارشناسان تعاونی برای دسترسی بهتر زنان به مسائل بهداشتی- درمانی از ۷ گویه استفاده شده‌است.

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۵۸/۷٪ پاسخگویان در مورد نقش حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی بر افزایش دانش آن‌ها نسبت به مسائل بهداشتی خانواده، ۶۲/۱٪ پاسخگویان در مورد نقش حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی بر افزایش دانش آن‌ها نسبت به مسایل بهداشتی خانواده کاملاً موافق و موافق بودند. همچنین ۶۰/۶٪ پاسخگویان در مورد نقش حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی بر افزایش دانش آن‌ها نسبت به مسائل

۱. حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی، باعث افزایش دانشم نسبت به بهداشت خانواده شده است.
۲. حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی، باعث افزایش دانشم نسبت به سلامتی خانواده شده است.
۳. حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی، باعث افزایش دانشم نسبت به بهداشت مربوط به زنان شده است.
۴. حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی، باعث افزایش دانشم نسبت به موضوع سلامتی زنان شده است.
۵. ارتباط با کارشناسان تعاونی، موجب شده است تا در زمینه مسائل بهداشتی بهتر تصمیم‌گیری کنم.
۶. ارتباط با کارشناسان تعاونی، موجب شده است تا در زمینه مسائل سلامتی بهتر تصمیم‌گیری کنم.
۷. موجب دسترسی ام به مراقبت‌های بهداشتی- درمانی شده است.

۸. همکاری با کارشناسان تعاونی، موجب شده است تا در زمینه مسائل مختلفی چون بهداشت، سلامتی و تغذیه بهتر تصمیم‌گیری کنم.

بهداشتی زنان و ۶۱/۹٪ در زمینه نقش حضور در دوره‌های آموزشی تعاونی بر افزایش دانش آن‌ها نسبت به موضوعات سلامتی زنان کاملاً موافق و موافق بودند. از نظر ۶۳/۴٪ پاسخگویان ارتباط با تعاونی موجب شده است تا در زمینه مسائل بهداشتی بهتر تصمیم‌گیری کنند. بیش از ۶۲٪ پاسخگویان با این گویه که ارتباط با کارشناسان تعاونی موجب تصمیم‌گیری بهتر در زمینه مسائل سلامتی شده است، کاملاً موافق و موافق بودند. اکثریت پاسخگویان ۵۶/۲٪ با این گویه که حضور در تعاونی موجب دسترسی‌ام به مراقبت‌های بهداشتی-درمانی شده است خیلی موافق و موافق بودند، همچنین ۶۳/۴٪ پاسخگویان با این گویه که همکاری با کارشناسان تعاونی، موجب شده است تا در زمینه مسائل مختلفی چون بهداشت، سلامتی و تغذیه بهتر تصمیم‌گیری کنند، خیلی موافق و موافق هستند. به منظور توصیف دقیق‌تر نقش تعاونی‌های زنان روستایی در دسترسی به امکانات رفاهی، گویه‌های مورد بحث با هم ترکیب شدند. حداقل امتیاز در این باره ۱۶ و حداکثر ۶۰ است. میانگین امتیازات پاسخگویان ۴۳،۱۳ است. با ترکیب گویه‌ها شاخص تاثیر تعاونی بر رفاه اعضا تعاونی ساخته شد. امتیاز زیر ۲۷ معادل خیلی کم، ۲۷ تا ۳۸ معادل کم، ۳۸ تا ۴۹ معادل متوسط و بالاتر از ۴۹ معادل زیاد، ارزیابی شد. اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان در تامین رفاه اعضا به شرح زیر است.

جدول ۳- وضعیت پراکندگی پاسخگویان بر حسب نقش تعاونی روستایی زنان در موضوعات مرتبط با سلامتی و بهداشتی-درمانی

Table 3- Distribution of respondents in terms of rural women's cooperatives in issues related to health

ردیف No	خیلی مخالف Totally disagree		مخالف Disagree		نظری ندارم No idea		موافقم Agree		خیلی موافقم Quite agreed		کل Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage
۱	15	10.1	27	18.1	20	13.4	39	26.2	48	32.2	149	100
۲	13	8.7	26	17.3	9	6	59	39.3	43	28.1	150	100
۳	11	7.3	34	22.5	16	10.5	47	30.7	43	28.5	151	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴ نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان ۳۵/۳٪ (۵۴ نفر) نقش تعاونی‌های روستایی را بر رفاه بانوان عضو، در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند، پس از آن بیشترین فراوانی ۲۹/۴٪ (۵۶ نفر) به پاسخگویانی که نقش تعاونی‌های روستایی را در سطح زیاد، ۲۴/۸٪ (۳۸ نفر) در سطح کم و ۱۰/۵٪ (۱۶ نفر) در سطح خیلی کم ارزیابی کرده‌اند، تعلق دارد.

۱. همکاری در تعاونی باعث شد شاغل شوم.

۲. همکاری در تعاونی باعث شد که درآمد داشته باشم.

۳. به دلیل اشتغال در تعاونی، میزان سپرده شخصی‌ام در بانک افزایش یافته است.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان بر رفاه آنان

Table 4- Distribution of respondents according to their importance of rural women's cooperative on their welfare

خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		کل		Mean
Very little		Little		Middle		Much		Total		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	
16	10.5	38	24.8	54	35.3	45	29.4	153	100	2.83

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مرحله دسترسی، زنان لازم است به عوامل تولید (مانند زمین، کار، و سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا (که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد) و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. نیاز به دسترسی برابر به منابعی مانند آموزش، اشتغال، و نیز سرمایه، دومین مرحله مهم برای افزایش مشارکت زنان در روند توسعه محسوب می‌شود.

جدول شماره ۵- وضعیت پراکندگی پاسخگویان بر حسب دسترسی به منابع

Table 5- Distribution of respondents in terms of access to the resources

ردیف	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		Disagree		No idea		Agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage
۱	5	3.3	14	9.2	34	22.2	63	41.2	37	24.2	153	100
۲	14	9.3	19	12.7	10	6.7	59	39.3	48	32	150	100
۳	13	8.7	16	10.7	17	11.3	56	37.3	48	31.4	150	100
۴	2	1.3	1	0.7	9	5.9	57	38.3	80	53.7	149	100
۵	7	4.7	17	11.5	20	13.5	58	39.2	46	31.1	148	100
۶	8	5.4	17	11.5	23	15.5	35	22.9	65	43.9	148	100
۷	2	1.3	7	4.7	19	12.7	62	41.3	60	40	150	98

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که ۶۵/۴٪ پاسخگویان باور دارند که حضور در تعاونی موجب شده‌است تا شاغل شوند، همچنین ۷۱/۳٪ با گویه نقش حضور در تعاونی در ایجاد اشتغال برای آن‌ها، خیلی موافق و موافق بوده‌اند. میزان ۶۸/۷٪ پاسخگویان با نقش تعاونی در کسب درآمد شخصی برای خود، موافق و خیلی موافق هستند، همچنین ۷۰/۳٪ پاسخگویان گفتند که حضور در تعاونی موجب افزایش دسترسی آن‌ها به نقدینگی

۱. حضور در تعاونی باعث شد شاغل شوم.

۲. حضور در تعاونی باعث شده شغلی برای خود داشته باشم.

۳. حضور در تعاونی باعث کسب درآمد شخصی برای خودم شده است.

۴. حضور در تعاونی موجب شده در تعاونی سهام داشته باشم.

۵. حضورم در تعاونی موجب افزایش دسترسی به نقدینگی موجود در منزل شده است.

۶. حضورم در تعاونی موجب افزایش امکان استفاده از نقدینگی موجود در منزل شده است.

۷. بیشتر از قبل در بحث‌های مختلف شرکت می‌کنم.

موجود در منزل به دلیل کسب مهارت‌هایی که موجب استفاده بهینه از نقدینگی برای بهبود وضعیت زندگی اعضای خانوار می‌شود، شده است. از بین پاسخگویان ۶۶/۸٪ گفتند حضور در تعاونی موجب افزایش امکان استفاده از نقدینگی موجود در منزل شده است. همچنین ۸۱/۳٪ پاسخگویان گفتند که حضور در تعاونی موجب شده است تا بیشتر از قبل در بحث‌های مختلف شرکت کنند. با ترکیب این گویه‌ها، شاخص دسترسی به منابع ساخته شد. حداقل امتیاز افراد در شاخص دسترسی ۷ و حداکثر آن ۳۵ بود. میانگین امتیاز هم ۲۶،۵۴ بود. این شاخص در قالب چهار گزینه خیلی کم، کم، متوسط و زیاد دسته بندی شد. با توجه به دسته بندی انجام شده، اهمیت تعاونی در دسترسی زنان به منابع به شرح جدول زیر است.

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی به منابع

Table 6- Distribution of respondents in terms of rural women's cooperatives in access to the resources

خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		کل		Mean
Very little	درصد	Little	درصد	Middle	درصد	Much	درصد	Total	Mean	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
Frequency	Percent	Frequency	Percent	Frequency	Percent	Frequency	Percent	Frequency	Percent	
9	5.9	31	20.3	43	28.1	70	45.8	153	100	3.13

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اکثریت پاسخگویان ۴۵/۸٪ (۷۰ نفر) نقش تعاونی‌های روستایی را بر دسترسی به امکانات رفاهی در سطح زیاد ارزیابی کرده‌اند، پس از آن بیشترین فراوانی ۲۸/۸۱٪ (۴۳ نفر) به پاسخگویانی که نقش تعاونی‌های روستایی را در سطح متوسط، ۲۰/۳٪ (۳۱ نفر) در سطح کم و ۵/۹٪ (۹ نفر) در سطح خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

یکی از عواملی که نقش مهمی در توانمندی زنان و پررنگ‌تر شدن نقش آن‌ها در توسعه خواهد داشت، آگاهی است؛ عدم آگاهی در باره مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به تثبیت و افزایش فاصله بین زنان و مردان بیشتر کمک خواهد کرد. آگاهی شناختی است که کردار را در زندگی روزمره هدایت می‌کند و زندگی روزمره خود را به عنوان واقعی به نمایش می‌گذارد که توسط آدمیان تعبیر و تفسیر می‌شود و از لحاظ ذهنی به منزله دنیایی به هم پیوسته و منسجم برایشان معنادار است (Mahdavi & Mirzapoor, 2009). در مرحله آگاه‌سازی، زنان تشخیص می‌دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است (Moser, 1993). در باره نقش تعاونی روستایی زنان بر گسترش اطلاعات و دانش اعضا در سه پرسش مطرح شد. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که ۹۰/۲٪ زنان معتقد بودند که حضور در تعاونی موجب افزایش سطح اطلاعات عمومی آن‌ها شده است. نیز ۸۰/۴٪ براین باور بودند که عضویت در تعاونی در افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها موثر بود. همچنین ۸۲٪ باور داشتند که عضویت در تعاونی موجب افزایش سطح اطلاعات افراد در باره گروه‌های حمایت کننده از زنان شده است؛ کاملاً موافق و موافق بودند.

جدول ۷- وضعیت پراکندگی پاسخگویان بر حسب نقش تعاونی روستایی زنان بر سطح اطلاعات فردی- اجتماعی

Table 7- Distribution of respondents in terms of the role of rural women's cooperative on individual-social information

No	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		Disagree		No idea		Agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage
1	3	2	8	5.4	17	11.4	69	46.3	52	34.9	149	100
2	2	1.4	4	2.7	23	15.5	67	45.3	52	35.1	148	100
3	3	2	9	6	15	10	57	38	66	44	150	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای سنجش توانایی اعضا در فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه ۴ گویه در سطح سنجش ترتیبی ساخته شد. با توجه به داده‌ها، ۹۰/۱٪ زنان اظهار کردند که عضویت در تعاونی موجب شد تا دیدگاه بهتری نسبت به فعالیت زنان در خارج از خانه کسب کنند، همچنین ۸۶/۹٪ پاسخگویان گفتند که عضویت در تعاونی روستایی، موجب بهبود نگرش آن‌ها نسبت به اهمیت کار خارج از خانه شده است. بر اساس جدول ۶۷/۵٪ پاسخگویان گفتند که حضور در تعاونی‌های روستایی موجب شد تا اهمیت و معنای کار در منزل را بیشتر درک کنند و ۸۶/۵٪ نیز اهمیت و معنای کاری در تعاونی روستایی، را بیشتر درک کرده اند.

جدول ۸- پراکندگی پاسخگویان بر حسب تاثیر فعالیت در روستایی زنان بر نگرش به فعالیت‌های اقتصادی

Table 8- Distribution of respondents according to women's activities in rural cooperatives and attitudes to their economic activities

No	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		Disagree		No idea		Agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage
1	0	0	4	2.6	11	7.3	59	39.1	77	51	151	100
2	1	0.7	2	1.4	16	11	75	51.7	51	35.2	145	100
3	0	0	13	8.8	32	21.6	57	38.5	46	31.1	148	100
4	2	1.3	5	3.4	13	8.5	70	47.3	58	39.2	148	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

- حضورم در تعاونی سبب شده است تا اطلاعات عمومی ام افزایش یابد.
- حضورم در تعاونی سبب شده است تا سطح آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی ام افزایش یابد.
- حضورم در تعاونی سبب شده است تا اطلاعات من پس از عضویت در تعاونی نسبت به گروه‌های حمایت کننده از زنان افزایش یابد.
- حضورم در تعاونی سبب شده است تا دیدگاه نسبت به فعالیت زنان در خارج از خانه بهتر شود.
- حضورم در تعاونی سبب شده است تا نگرشم در مورد اهمیت کار بیرون از منزل برای رشد اقتصادی بهتر شود.
- حضورم در تعاونی سبب شده است تا اهمیت و معنای کاری را که در منزل انجام می‌دهم بیشتر از زمانی که عضو تعاونی نبودم درک کنم.
- حضورم در تعاونی سبب شده است تا اهمیت و معنای کاری را که در تعاونی انجام می‌دهم به خوبی درک کنم.

اطمینان فرد در انجام فعالیت‌ها، به مثابه یکی از ابعاد توانمندی با استفاده از ۷ گویه سنجیده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۰/۴٪ پاسخگویان با این گویه که حضور در تعاونی موجب افزایش اثرگذاری نظرات آن‌ها بر خانواده، و ۶۴/۶٪ با گویه افزایش دقت در باره انجام کارهای منزل، ۶۵/۸٪ درباره اطمینان در انجام دادن کارهای مختلف منزل، ۷۵/۴٪ در باره نقش عضویت تعاونی در افزایش توانایی تصمیم‌گیری در مسائل فردی، ۸۲/۶٪ نسبت به نقش عضویت در تعاونی و کسب استقلال بیشتر در امور و فعالیت‌های فردی و همچنین ۷۱/۵٪ نسبت به حضور در تعاونی و افزایش اطمینان نسبت به توانایی‌های فردی برای قبول مسئولیت و نیز ایفای نقش مدیرعامل و عضو هیأت مدیره موافق یا بسیار موافق بودند.

جدول ۹- پراکندگی پاسخگویان برحسب نقش تعاونی روستایی زنان بر اطمینان فرد در انجام فعالیت‌ها

Table 9- Distribution of respondents according to role of rural women's cooperatives on Make sure to do activities

No پرسش گویه	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		Disagree		No idea		Agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	percentage	Frequency	percentage	frequency	percentage	Frequency	Percentage	frequency	Percentage	Frequency	Percentage
۱	0	0	11	7.4	34	23	50	33.8	53	35.8	148	100
۲	1	0.7	16	10.7	36	24	50	33.3	47	31.3	150	100
۳	0	0	14	9.4	37	24.8	57	38.3	41	27.5	149	100
۴	3	2	9	6	25	16.7	64	42.7	49	32.7	150	100
۵	2	1.4	13	8.8	25	17	59	40.1	48	32.7	147	100
۶	2	1.3	3	2	21	14.1	59	39.6	64	43	149	100
۷	2	1.3	7	4.8	23	15.6	55	37.4	60	40.8	147	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای سنجش تاثیر «فعالیت در تعاونی‌های روستایی زنان» در افزایش توانمندی فرد در انجام امور و موضوعات خانوادگی از ۵ گویه که توانایی‌های مختلف فرد در زمینه مسائل خانواده را مورد پرسش قرار داده، استفاده شده است. داده‌های جدول نشان می‌دهد که در تمام موارد بیش از ۶۰٪ پاسخگویان با تاثیر گذاری مثبت همکاری در تعاونی برای ارتقای توان آنان در مسایل خانواده کاملاً موافق یا موافق بودند.

۱. تاثیر نظراتم در خانواده بیشتر از دوره‌ای که عضو تعاونی نبودم شود.

۲. در انجام کارهای منزل بیشتر دقت می‌کنم.

۳. نسبت به انجام دادن کارهای منزل اطمینان بیشتری داشته باشم.

۴. توان من در تصمیم‌گیری در مسائل فردی ام بیشتر از دوره قبل از عضویتم شود.

۵. اطمینان من نسبت به انجام توانایی ام برای انجام دادن کارهای منزل افزایش یابد.

۶. در زمینه انجام کارها و فعالیت‌های مختلف از استقلال بیشتری برخوردار شوم.

۷. توانایی ام برای قبول مسئولیت به عنوان عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل افزایش یابد.

جدول ۱۰- پراکندگی پاسخگویان بر حسب نقش تعاونی روستایی زنان بر توانمندی اعضا در خانواده

Table 10- Distribution of respondents according to impacts of rural women's cooperative on member's empowerment in family

ON پراکندگی	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		disagree		No idea		Agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percentage	frequency	Percentage	frequency	percentage	Frequency	Percentage	frequency	Percentage	Frequency	Percentage
^۱ 1	16	10.5	5	3.4	31	21.4	55	37.9	38	26.2	145	100
^۲ 2	6	4.6	8	6.1	26	19.8	51	38.9	40	30.5	131	100
^۳ 3	7	5.4	13	10.1	24	18.6	49	38	36	27.9	129	100
^۴ 4	10	6.8	17	11.6	24	16.3	53	36.1	43	28.1	147	100
^۵ 5	3	2	16	10.7	30	20	58	38.7	43	28.7	150	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه احساس توانایی پاسخگویان در انجام کار گروهی و فعالیت در تعاونی سنجش شد. داده‌ها نشان می‌دهد ۸۳/۶٪ معتقد بودند که عضویت در تعاونی روستایی زنان موجب افزایش توانایی آن‌ها برای انجام وظایف محول شده است. همچنین ۹۱/۲٪ معتقد بودند که عضویت در تعاونی موجب تقویت قدرت کار گروهی در آن‌ها شده است و ۸۶/۷٪ باور داشتند پیوند آنان با دیگر اعضای تعاونی افزایش یافته است.

جدول ۱۱- وضعیت پراکندگی پاسخگویان بر حسب نقش تعاونی روستایی زنان بر توانایی اجتماعی اعضا

Table 11- Distribution of respondents according to cooperative impacts on members' social ability

ON پراکندگی	خیلی مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		خیلی موافقم		کل	
	Totally disagree		Disagree		No idea		Agree		Quite agree		Total	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	Frequency	Percent	frequency	percent	frequency	percent	Frequency	Percent	frequency	percent	Frequency	Percent
^۱ 1	0	0	6	4	14	9.4	79	53	50	33.6	149	100
^۲ 2	1	0.7	0	0	12	8.2	48	32.9	85	58.2	146	100
^۳ 3	3	2	7	4.6	10	6.6	56	37.1	75	49.7	151	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۱. در برنامه ریزی‌هایی چون رفتن به مسافرت بیشتر از زمانیکه عضو تعاونی نبوده ام، نقش داشته باشم.
۲. بهتر از قبل بتوانم به فرزندانم در پر کردن اوقات فراغت شان کمک کنم.
۳. فرزندان من بیشتر از قبل در زمینه مسائل تحصیلی خود با من گفت و گو می‌کنند.
۴. دوستان و آشنایان بیشتر درباره تصمیم‌گیری‌ها با من مشورت می‌کنند.
۵. توان تصمیم‌گیری من در امور خانوادگی بیشتر از قبل شود.
۶. نسبت به توانایی خود برای انجام وظایف محوله در تعاونی اطمینان بیشتری داشته باشم.
۷. حس کار گروهی در من تقویت شود.
۸. پیوندم با اعضای تعاونی بیشتر شود.

به منظور توصیف دقیق تر تاثیر فعالیت تعاونی در میزان آگاهی اعضا شاخص آگاهی با ترکیب گویه‌ها ساخته شد. حداقل امتیاز در این باره ۱۵ و بیشترین امتیاز ۱۱۰ بود. میانگین ۸۵٫۶۲ است. این شاخص در قالب چهار امتیاز خیلی کم، کم، متوسط و زیاد دسته بندی شد.

جدول ۱۲- آماره‌های توصیفی متغیر نقش تعاونی در آگاه‌سازی اعضا

Table 12-Descriptive statistics about cooperative's impacts on member's awareness

نمره پاسخگو Respondents' score	کمتر از ۳۸ Less than 38	۳۸ تا ۶۲ 38 till 62	۶۲ تا ۸۶ 63 till 86	۸۶ به بالا More than 86
نقش تعاونی‌های روستایی زنان در آگاه‌سازی اعضا Impacts of rural women's cooperative on members awareness	خیلی کم Veryl ittle	کم Little	متوسط Middle	زیاد Much

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پراکنندگی پاسخگویان در باره نقش تعاونی‌های روستایی در آگاه‌سازی به شرح جدول ۱۳ است. مندرجات جدول نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان، ۵۹/۵٪ (۹۱ نفر)، نقش تعاونی‌های روستایی را بر آگاه‌سازی اعضا در سطح زیاد، ارزیابی کردند. پس از آن بیشترین فراوانی ۳۰/۱٪ (۴۱ نفر) مربوط به پاسخگویانی است که نقش تعاونی‌های روستایی را در سطح متوسط، ۹/۲٪ (۱۴ نفر) در سطح کم و ۱/۳٪ (۲ نفر) در سطح خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۱۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اهمیت تعاونی‌های روستایی زنان در آگاه‌سازی اعضا

Table 13- Distribution of respondents according to the importance of rural women's cooperative on raising members' awareness

خیلی کم Very little		کم Little		متوسط Middle		زیاد Much		کل Total		Mean
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
Frequen cy	Percenta ge	Frequen cy	Percenta ge	Frequen cy	Percenta ge	Frequen cy	Percenta ge	Frequen cy	Percenta ge	
2	1.3	14	9.2	46	30.1	91	59.5	153	100	3.47

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه‌ها

در آزمون فرضیه‌ها، برای استفاده درست از آزمون‌های پارامتری و غیرپارامتری، در ابتدا، نرمال بودن یا نبودن مفاهیم سنجش شد. برای انجام آزمون نرمالیتی از آزمون کولموگروف-اسمیرنف تک نمونه‌ای استفاده شد. بر اساس نتایج توزیع به غیرنرمال نزدیک تر است. برای استفاده از آزمون‌های نرمالیتی به منظور سنجش معناداری یا عدم معناداری فرضیه‌های تحقیق، ابتدا با استفاده از لگاریتم طبیعی داده‌ها به نرمال تبدیل و سپس از آزمون‌های مرتبط استفاده شده است (جدول ۱۴).

جدول ۱۴- خروجی آزمون اسمیرنوف کولموگروف تک نمونه‌ای متغیرهای تحقیق

Table 14- Kolmogorov-Smirnov one-sample test on research variables

متغیرها Variables	میانگین Mean	حداقل Minimum	حداکثر Maximum	خطای انحراف استاندارد St. error	سطح معنی داری Sig.
دسترسی به امکانات رفاهی Access to accommodation	43.11	16	60	11.36	0.000
دسترسی به منابع Access to resources	30.55	5	40	7.72	0.000
آموزش و آگاه‌سازی Education and raising awareness	81.66	15	105	16.97	0.000

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای سنجش نقش تعاونی‌های روستایی زنان بر دسترسی اعضای خود به امکانات رفاهی در تحقیق حاضر از آزمون تی-تک نمونه استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که میانگین نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به امکانات رفاهی در سطح ۳,۷۲ از ۵ قرار دارد (انحراف استاندارد ۰,۲۹۸). برای سنجش معنا داری میانگین مذکور به بررسی آماره‌های استنباطی آزمون مذکور اقدام شد. میانگین نقش موفقیت تعاونی‌ها در فراهم کردن دسترسی اعضا به امکانات بالاتر از میانگین مفروض (۳,۴۳) است، همچنین با توجه به داده‌های جدول ۱۵، می‌توان در سطح اطمینان ۰,۹۹ گفت که هر چقدر تعاونی‌ها در فراهم کردن امکانات رفاهی برای اعضا موفق‌تر عمل کنند، زنان توانمندتر می‌شوند (جدول ۱۵).

جدول ۱۵- آزمون تی تک نمونه نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به امکانات رفاهی

Table 15- One sample t-test on rural women's cooperatives impacts on member's access to amenities

میانگین مفروض: 3.43				
Assumed mean				
نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به امکانات رفاهی				
Impacts of rural women's cooperatives on members access to accomodations				
متغیر مستقل Independent variable	مقدار تی T	درجه آزادی d.f	سطح معنی داری Sig.	اختلاف میانگین Mean discrepancy
نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به امکانات رفاهی Impacts of rural women's cooperatives on members access to accomodations	12.23	152	0.000	0.294

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی نقش تعاونی‌های روستایی در دسترسی اعضا خود به منابع از آزمون تی تک نمونه استفاده شده است. نتایج نشان داد که میانگین نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به منابع، برابر ۳,۲۳ از ۵ است. انحراف استاندارد برابر با ۰,۳۲۳ است. با توجه به سطح معناداری قابل قبول است. میانگین نقش موفقیت تعاونی‌ها در فراهم کردن دسترسی اعضا به منابع، ۳,۲۳ بالاتر از میانگین مفروض (۲,۷۵) است. با توجه به سطح

معنی داری، می‌توان در سطح اطمینان ۹۹ درصد گفت که هر چقدر تعاونی‌ها در فراهم کردن منابع برای اعضا موفق‌تر باشند، زنان توانمندتر می‌شوند (جدول ۱۶).

جدول ۱۶- آزمون تی تک نمونه نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به منابع

Table 16- One sample t- test on rural women's cooperatives' impacts on member's access to resources

میانگین مفروض: 2.75				
Assumed mean				
متغیر مستقل Independent variable	مقدار تی t	درجه آزادی d.f	سطح معنی داری sig	اختلاف میانگین Mean discrepancy
نقش تعاونی‌های روستایی زنان در دسترسی اعضا به منابع rural women's cooperatives' impacts on member's access to resources	18.52	152	0.000	0.484

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شاخص نقش تعاونی‌های روستایی زنان بر آموزش اعضا ساخته شد. میانگین تی تک نمونه‌ای معادل ۴,۴۲ و انحراف استاندارد معادل ۰,۲۵۹ است. بررسی آماره‌های توصیفی حاصل از آزمون تی تک نمونه نشان داد که میانگین نقش تعاونی‌های روستایی زنان در آموزش به اعضای تعاونی برای آن‌ها معادل ۳,۷۲ از ۵ بوده که در سطح بالایی است. معناداری میانگین مذکور نشان می‌دهد که میانگین نقش موفقیت تعاونی‌ها در آموزش به اعضا تعاونی برای توانمندی آن‌ها، ۴,۴۲ از ۵ است که در سطح بیشتری از میانگین مفروض (۳,۷۰) قرار دارد، همچنین با توجه به سطح معناداری آزمون تی در سطح ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که هر چقدر تعاونی‌ها در آموزش اعضا موفق‌تر باشند، زنان توانمندتر می‌شوند (جدول ۱۷).

جدول ۱۷- آزمون تی تک نمونه نقش تعاونی‌های روستایی زنان بر آموزش اعضا

Table 17- One-sample t-test impacts of rural women's cooperatives on training

میانگین مفروض: 3.70				
Assumed mean				
متغیر مستقل Independent variable	مقدار تی T	درجه آزادی d.f.	سطح معناداری Sig.	اختلاف میانگین Mean discrepancy
نقش تعاونی‌های روستایی زنان در آموزش به اعضا rural women's cooperatives' impacts on member's education	34.46	152	0.000	0.722

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش دسترسی اعضا به امکانات رفاهی میزان توانمندی زنان عضو تعاونی افزایش یافت. عضویت زنان روستایی و فرآیند توانمندی آن‌ها موجب تصمیم‌گیری بهتر آن‌ها در باره سلامتی و تغذیه شد. این امر ناشی از افزایش دانش آن‌ها در این زمینه بود. آن‌ها همچنین توانستند کسب درآمد

کرده یا آن را افزایش دهند و این عامل موجب بهبود وضعیت زندگی اعضای خانواده شده است. اگرچه حضور فعال بانوان در خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است، ولی موضوع اشتغال زنان و مشارکت گسترده آنان در توسعه اقتصادی و میزان این فعالیت در بخش‌های مختلف نیز اهمیت بسزایی دارد. دسترسی زنان به منابع در توانمندی آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زنان روستایی معتقد بودند که حضور آن‌ها در تعاونی روستایی موجب شده است تا زمینه اشتغال آن‌ها فراهم شود. آنان توانستند در آمد شخصی کسب کنند و در بهبود موقعیت اقتصادی خانواده موثر باشند. همچنین زنان روستایی معتقد بودند که حضور آن‌ها در تعاونی موجب شده است تا به نقدینگی موجود در خانواده دسترسی داشته و از آن استفاده کنند.

سومین مرحله به نقش تعاونی بر افزایش آگاهی زنان عضو، متمرکز است. زنان عضو تعاونی بر این باور بودند که اطلاعات عمومی و آگاهی‌های اجتماعی-سیاسی آنان افزایش یافته است. افزایش آگاهی نسبت به فعالیت زنان در خارج از منزل، درک اهمیت کار و فعالیت اقتصادی در خارج از منزل، همچنین بهبود عملکرد در خانه از پیامدهای عضویت زنان روستایی در تعاونی روستایی بود. افزایش سطح آگاهی و دریافت آموزش در زمینه مسائل مختلف از منظر زنان روستایی، موجب شده است تا تأثیر نظرات آن‌ها در خانواده بیشتر از زمانی شود که عضو تعاونی روستایی نبوده اند، همچنین سطح توانایی آن‌ها در اتخاذ تصمیمات فردی بیشتر از زمان قبل از عضویت در تعاونی شده است. زنان روستایی معتقدند در زمینه انجام کارها و فعالیت‌های مختلف منزل از استقلال بیشتری برخوردار شده اند. عضویت در تعاونی روستایی و افزایش سطح توانایی‌ها در دو سطح خانوادگی و اجتماعی سبب شده است تا فرزندان بیشتر از قبل در زمینه مسایل تحصیلی خود با آنان گفت و گو کنند و در خانواده نیز توان تصمیم‌گیری زنان در امور بیشتر از قبل شود. در سطح اجتماعی نیز، حس کار گروهی در زنان روستایی بیشتر از قبل تقویت شده و پیوند این گروه با اعضای تعاونی بیشتر شده است. آنان به توانایی خود برای انجام وظایف محوله در تعاونی، اطمینان بیشتری داشتند.

این یافته‌ها به طور نسبی نشان از افزایش کنترل زنان بر منابع نیز دارد به نحوی که آن‌ها تجربه مشارکت در تعاونی را تجربه‌ای مثبت در زندگی خود تلقی می‌کردند اما میزان عملکرد تعاونی‌ها به نحوی نبود که بتوان انتظار داشت کنترل زنان بر منابع و مراحل عمل افزایش قابل توجهی داشته است به ویژه آن که شرکت تعاونی زنان مهدی شهر در معرض خطر ورشکستگی قرار داشت اما مصاحبه شوندگان معتقد بودند این تجربه امکان ورود به عرصه‌های جدید را برایشان فراهم کرده است، زیرا علیرغم مشکلات آن‌ها تجربه تشریک مساعی، همفکری و تصمیم‌گیری مشترک را به دست آورده بودند. اما این پژوهش به دلیل عدم دسترسی به اسناد تعاونی و شناسایی نوع مشکلات و موفقیت‌های مالی تعاونی قادر به اظهار نظر در باره مرحله کنترل بر منابع نبود. اما در این میان دو نکته متفاوت مشاهده شد. مشاهده اول حکایت از توانمندی زنان داشت. زیرا آن‌ها در مرحله آزمون پرسشنامه آن را مورد نقد قرار داده و پیشنهادات بسیار مفیدی عرضه کردند. همچنین تعدادی از مردان عضو تعاونی روستایی شدند. این امر در نوع خود نشانه خوبی بود اما برخی از مردان عضو تعاونی بر منابع مالی همسران خود کاملاً مسلط بودند، و اجازه تصمیم‌گیری به زنان نمی‌داند؛ این ویژگی احتمالاً مرحله کنترل زنان بر منابع را تضعیف می‌کند.

References

- Abot, P. and Wallas, K.** (2001), *Sociology of women*. Manijea Najm Araghi, Tehran: Nashre Nei.
- Alirezanejad, S.** (2011), Uneven empowerment: a case study on women beekeepers in central Iran. *International Journal of Social Sciences*. Vol.1, No. 2. Spring
- Alirezanejad, S. and Banihashem, F.** (2012), Gender and development: demographic transformations on Rural areas, *Journal of Iranian Social development Studies (JISDS)*. Year 4, No. 2, Spring. PP: 81-93
- Ansari, H.** (2006), *Cooperatives in the third millennium*, Tehran: ministry of cooperative, department of research, education, and extension.
- Ataei, P. and Zamani Myandashti, N.** (2011), The role of ruarl women cooperatives on their members' empowerment". *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*. Volume 42-2, No. 3. PP: 433-444
- Azami, M. and Sorousmehr, H.** (2010), The impact of demographic and economic variables of rural women on rural women's participation in productive cooperative, *Rural Researches*. No. 4 Winter, PP: 179-204
- Bourghani Farahani, S.** (2009), The role of women in family management in th television series documenting the goals of perspective on the development of Islamic Republic of Iran, *Proceedings of the second international conference on empowering women heads of household, women's center and women's affairs center of Tehran municipality*.
- Christian, M.** (1998), *Empowerment and black communities in the UK*. Oxford University Press and *Community Development Journal* 33(1): 18-31.
- Creswell, J. W.** (1994), *Research design: qualitative & quantitative approaches*. California: Sage Publication.
- Deh Haghi, S. Chizari, M. and Sedighi, H.** (2014), The role of agricultural cooperatives on social empowerment of rural women in Tehran province. *Co-operation and Agriculture*, 3(11): 1-24
- Dewas, D. A.** (2004), *Survey in social research*, translated by Houshang Nayebi, Tehran: Nashre Nei
- Ebrahimi, A. H. Taati, A.Omid, M. and Kanaani, A.** (2010), Factors affecting on the promotion of participation in unions and consumer cooperatives. *Taavon*, year 21, new periodicity, No. 2, summer, PP: 129-153
- Ghafari, Gh. Darabi, H. and Jahangiri, P.** (2009), A review on indicators of empowerment with emphasis on female-headed households. *Proceedings of the second conference of the increasing empowerment and female-headed households*. Tehran: Tehran Municipality office of women's affairs
- Ghiasvand, A. and Ammari, H.** (2012). Evaluation of the social impact of Shahr-Banoo complexes on the empowerment of women in Tehran, *Social Development and Welfare Planning*. volume. 3. No. 12, fall. PP: 147-168
- Ghomi, Sh, Khani, F, Choobchian, Sh and Rostami, F.** (2008), Analysis of economic factors affecting on rural women's cooperatives performance in Iran, *Human Geography Quarterly*. Volume 66. No. 66. Winter PP: 117-131
- Hafezian, M. H.** (2009), *Women and sustainable development: a comparative look on Islam world*, *Pajouheshneme Zanan va Tosea*. No. 42, PP: 11-56.
www.csr.ir/Pdf/Issues/410/Zanan.whole.5%20_black_.pdf
- Haji, M.** (2001), *Providing employment and reducing poverty through cooperatives*. Taavon. New periodicity, No. 118, Tir, PP: 10-12
- Kasmel, A.** (2004). *Community empowerment- Theoretical and Methodological Considerations*. Pp: 1-18.
- Ketabi, M. Yazdkhasti, B. and Farrokhirstaei, Z.** (2003), *Women's empowering to participate in development Pajouheshe Zanan*. No. 7, PP: 5-30

- Khani, F.** (2006), Gender and development. Tehran: Institute of cultural and social studies. Ministry of science and technology
- Khani, F. and Sayyad Bidhendi, L.** (2009), A study on universal experience of ICT on empowering the women who are head of rural households, in the Department of Women's affairs of Tehran Municipality, Proceedings of the second conference of the increasing empowerment and female-headed households. Tehran: Tehran Municipality office of women's affairs.
- Khani, F. Motiei Langaroodi, S. H. and Sayyad Bidhendi, L.** (2012), proposing a template on rural women's empowerment, using ICT: case of study Central city of Lahijan, Rural Development, Volume 4, No.1, Spring and Summer. PP: 85-108
- Langwe, S.** (1993), Criteria for women's empowerment..women's role on development. Tehran: Nashre Roshangaran.
- Leach, F.** (2003), Practising gender analysis in education, Oxford: Oxfam.
- Mahdavi, M. S and Mirzapoor, F.** (2009), Sociological study of factors affecting on women's awareness of their legal and social rights of city of Ahvaz, Pajouheshnameya Oloume Ejtemaei Garmsar. Volume 3. No. 1, Spring. PP: 29-50
- Malhatra, S. R. and Schuler, C.** (2002), Measuring women's empowerment as a variable in international development. Available on:
http://www.hdr.undp.org/.../gdi_gem_measuring_womens_empowerment.
- Moser, C.** (1993), Planning in terms of gender in third world, Proceedings of women's role in the third world. Tehran: Nashre Roshangaran
- Parveen, Sh.** (2007), Gender awareness of rural women in Bangladesh. Journal of International Women's Studies, 9(1), 253-269.
- Pasban, F.** (2009), Women's role on rural development, Pajouheshnameh zan va tosea. PP: 83-116 www.csr.ir/Pdf/Issues410/Zanan.whole.5%20_black_.pdf
- Ranjbar, M. Niroomand, P. and Farahani, F.** (2013). Identifying effective elements and techniques on empowering women and their employment in public relations www.shara.ir/...94/4/8
- Rowlands, J.** (1995), Empowerment examined. Development in Practice. Vol.5 No.2 May.
- Sabet Dizavandi, M, Ansari, H. and Azkia, M.** (2010). A study on member's satisfaction with performance of rural cooperatives: Case of study the city of Mashhad's rural communities, Taavon, Year 21, new periodicity, No. 2, summer PP: 63-89
- Schwab, K.** (2010). The global competitiveness report 2009-2010. World Economic Forum. <https://www.weforum.org/reports/global-competitiveness-report-2009-2010/> - 21/52013
- Shahpasand, M.** (2005), Capabilities and challenges of production cooperatives on development of rural areas of Torbatheidariyea city, Proceedings of conference on cooperation and regional development. Department of cooperation city of Torbatheidariyeh (with participation of Islamic Azad University, Torbatheidariyeh branch). PP: 74-100
- Shakouri, A. Rafatjah, M. and Jafari, M.** (2007). Women's empowerment components and giving an explanation on effective factors on them. Pajouheshe Zanan. Volume 5. No. 1. PP: 1-26
- Soroushmehr, H. Rafiei, H. Kalantari, Kh. and Shabanali ghomi, H.** (2010). An investigation on rural women's status and effective elements for improving their status: Case of study Hamedan city. Rural Researches. Volume 1. No. 1, PP: 153-172
- The World Bank Group.** (2005), The world bank annual report year in review. World Bank.
- Zamani Miandashti, N, Ataei, P. and Izady, N.** (2012). Investigation on levels and rate of empowerment of the Rural women cooperative's members (the case of study: Women's cooperative in Tafyhan, Women in Development and Politics. Volume 10, No. 4, PP: 153-172